



### ۱۴ شهید هیئت

علم قدیمی هیئت در دهه ۶۰، هنگامی که شهید ادر مشهد تشییع می شدند، پیشاپیش پیکر شهید حرکت می کرد. مسلم دوست می گوید: هیئت ما در دهه ۶۰ که پیکر شهید از خیابان خسروی تا حرم تشییع می شد، در مراسم حضور داشت. مرحوم پدرم که شاعر و مداح اهل بیت (ع) بود، با اشعاری که خودش برای شهید می سرود، به فضا شوری حماسی می داد. پدر در سال ۱۳۶۴ اشعارش را در کتابی به نام «نغمه های جان سوز» جمع آوری کرد که از آن در هیئت، برای مولودی و مداحی استفاده می شود.

ناگفته نماند که هیئت متحده شاهزاده علی اصغر (ع) شهید دارد که عکس های آن ها روی یک بنر روی دیواری در ساختمان اصغریه نصب شده است.

### دعاکن غذاکم نیاید

آقاها دی بعد از فوت پدرش مسئولیت هیئت را بر عهده گرفت. در این مدت خاطرات بسیاری برایش رقم خورده است. اما هیچ وقت خاطره محرم سال ۱۳۸۶ را فراموش نمی کند. حتی حالا هم که آن را بر ایمان تعریف می کند، می خندد و می گوید: نمی دانم چرا وقتی مرحوم حسن آقا، آشپز قدیمی هیئت، فهرست خرید برای شام شب راه من داد، هنگام تهیه برنج برای ۵۰ تا ۷۰ نفر، از میزان همیشه ۱۳ کیلو کمتر برنج خریدم. وقتی خریدها را به مرحوم حاج حسن دادم، او حسابی ناراحت شد و گفت: «دعاکن غذاکم نیاید». آن شب هیئت از همیشه شلوغ تر بود و آقاها دی با دیدن جمعیت، دل توی دلش نبوده که چطور این جمعیت با آن مقدار برنج قرار است پذیرایی شوند. هنگام توزیع شام، مرحوم حاج حسن، آقاها دی و چند نفر دیگر را صدا کردند و به هیچ فرد دیگری اجازه ورود ندادند؛ از پله های آشپزخانه که پایین رفتیم، دیدم مثل همیشه سجاده اش کنار دیگ ها پهن و در حال راز و نیاز است. حسن آقا گفت درهای آشپزخانه را ببندم و خورش را توی ظرف ها بریزم. آن شب حدود ۷۰ نفر

ند و حسینی هیئت متحده می نشوی، بوی چای تازه دم بیچند و علم ها محرم را به یاد در قاب عکس روی دیوار بیند. فرش های پهن شده، خود نگه داشته است. اینجا دارد؛ از اشک های بی صدا، از همدلی های ساده تا

طرویتی پیدا کرد از مردانی بیئت را ساختند و بادل های پاک کردند. ساختمان هیئت، اما نشانه های گذشته نفس می کشند؛ از تابلو ته تا علم های بلند و پرده بیخکوب می کند.

ت: خاطره مشترک چند نسل ر خیابان بوستان ۸ است. با احترام برده می شود. می که می نشینی، قصه سنوی که از خانه های مردم قد کشید و امروز به وسعت ه است.

راغداد ایم و بعد خودمانی ها و بعد هم من و خودش و سایر کسانی که دست اندر کار بودیم، شام خوردیم. اضطرابی را که آن شب، من و آشپز هیئت تجربه کردیم، هیچ وقت از خاطر نمی برم.»

در این سال ها برخی از اعضای هیئت از محله رفته و برخی دیگر با آمدن به این کوچه، عضو هیئت شده اند. مسلم دوست می گوید: خیلی از آن هایی که از محله رفته اند، برای مراسم، حتی از دورترین نقاط شهر به اصغریه می آیند. پدرها با پسرها و نوه هایشان می آیند و این زیبایی هیئت ماست. ما بیش از ۶۰ عضو ثابت داریم و نزدیک به ۳۰۰ عضو که به همراه خانواده هایشان در مراسم حضور پیدا می کنند. هر هفته مراسم دعای ندبه و جلسه قرآن قدیمی برپاست.

### نذر عاشورایی

پرده بزرگ ظهر عاشورا روی یکی از دیوارهای هیئت جلوه خاصی دارد. علی علیپور از سال ۱۳۷۵ با این هیئت آشنا شده و پرده ظهر عاشورا را او تهیه و اهدا کرده است. خودش می گوید: خوابی از واقعه کربلا دیدم که بسیار رویم تأثیر گذاشت. بعد از آن دنبال فردی گشتم تا تصویر ظهر عاشورا را روی پرده ای برایم بکشد. حالا سال هاست که در مراسم محرم و صفر، این تصویر همراه هیئت به سمت حرم رضوی فرستاده می شود.

علی آقا با اینکه در محله دیگری سکونت دارد، در بیشتر مراسم هیئت شرکت می کند. برای او هیئت متحده شاهزاده علی اصغر جایی است که مراسم سنتی با خلوص برگزار می شود و از تجملات برخی هیئت ها دور مانده است.

### مرحوم حسن آقا، آشپز خاص هیئت

احمد قیاسی، هفتاد و سه ساله، از قدیمی های این محله است. او نانو است و از سال ۱۳۵۴ که نانواپی خودش را دایر کرده، تأمین نان دعای ندبه هیئت را به عهده گرفته است. احمد آقا ارادت خاصی به اهل بیت (ع) دارد و معتقد است با این خیرات،



### در کرونا هم مراسم دایر بود

حسین اسدیان که از هشت سال قبل در این محله ساکن و با هیئت آشنا شده است، می گوید: عزاداری و برگزاری مراسم در هیئت متحده شاهزاده علی اصغر (ع) شور و حال دیگری دارد.



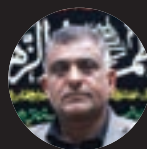
او ادامه می دهد: مراسم در این هیئت از ساعت ۲۰:۳۰ شروع می شود و ساعت ۲۳ با پذیرایی به پایان می رسد. مدیریت هیئت در اجرای خوب برنامه، جایگاه ویژه ای دارد. بانوان می توانند در فضای مخصوص خود حضور پیدا کنند. برای بچه های مهد کودک در نظر گرفته شده است تا بزرگ ترها با خیال آسوده به مراسمشان بپردازند.



عکس نیل دوم و سوم هیئت در سال ۱۳۹۲

### برای آشپزی اجازه گرفتیم

مهدی داغیانوسی از کودکی در همین محله بزرگ شده است. برادر مهدی یکی از شهدای این محله و خودش هم از جانبازان دفاع مقدس است. او یکی از آشپزهای هیئت است و به خاطر



علاقه اش کنار دست مرحوم حسن آقا آشپزی را یاد گرفت. او درباره حسن آقا می گوید: او ایل فقط برای شستن ظروف به آشپزخانه می رفتیم اما وقتی مرحوم علاقه ام را دید، اجازه داد کارهای کوچک را انجام بدهم. بعد ها که او فوت کرد، با کمک و همراهی دیگران، آشپزی هیئت را به دست گرفتیم.

علی اکبر جاویدان، پنجاه و سه ساله و بزرگ شده همین محله است. در ادامه صحبت های داغیانوسی، خاطره های ریز و درشتش از هیئت یکی پس از دیگری در ذهنش جان می گیرند. او می گوید: هیئت ما حال و هوای خاصی در روز عاشورا داشت و دارد. در گذشته، غذای روز عاشورا را روی چوب و کنده درست می کردند. بوی چوب سوخته کل فضا را می گرفت. بچه ها هر کدام گوشه ای از کار را می گرفتند؛ از شستن ظرف گرفته تا سفره جمع کردن و پهن کردن برای نزدیک به ۶۰۰ نفر.

